

# مدیریت شهری

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳

No.36 Autumn 2014

۲۴۶-۲۳۳

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۵/۲۳

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۴

## نقش و جایگاه حسابرسی عملکرد در بهبود برنامه‌های خدمات رسانی و توسعه روستایی با تأکید بر جامعه دانایی محور

عبدالرضا رحمانی فضلی - عضو هیئت علمی دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.  
مصطفی صادقی\* - دکتری برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

### Role in improving the performance of audit services and rural development programs with an emphasis on knowledge-based society

#### Abstract

In recent years, we have witnessed the arrival of audit, particularly performance audit, in the different scientific sectors. In the current study which is an action research based on the extant reliable documents, it has been tried to address the role of performance audit in improving of developmental and servicing programs in rural areas, to be considered trends and processes of development in future knowledge-based societies. In other words, in this paper, has been considered and studied the role of performance audit on development program, in the knowledge-based society. The results of this study showed, develop and improve the programs and processes of development and rural servicing, needs to structural changes based on legal legitimating of institutions and planning organizations and exact supervision on this process, on the other hand, in the audit process of rural development program and capital resource in rural areas should be given more attention.

**Keywords:** performance audit, development programs, rural development, rural services, knowledge-based society.

#### چکیده

در سالهای اخیر، شاهد ورود دانش حسابرسی و بویژه حسابرسی عملکرد به حوزه‌های مختلف دانشی هستیم. در پژوهش حاضر، که از نوع توسعه‌ای-کاربردی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی است، تلاش شده، ضمن پرداختن به نقش و جایگاه حسابرسی عملکرد در بهبود برنامه‌های توسعه‌ای و خدمات رسان نواحی و مناطق روستایی، روندها و فرایندهای توسعه در جوامع دانایی محور آینده نیز مورد توجه قرارگیرد. به عبارت دیگر، در این نوشتار، نقش حسابرسی عملکرد در برنامه‌های توسعه‌ای، در فضای جامعه دانایی متصور و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد، توسعه و بهبود برنامه‌ها و فرایندهای توسعه و خدمات رسانی روستایی، مستلزم تغییرات ساختاری مبتنی بر وجاht قانونی نهادها و سازمان‌های درگیر امر برنامه ریزی و نظارت صحیح بر آن است و از طرف دیگر، در فرایند حسابرسی برنامه‌های توسعه روستایی منابع سرمایه‌ای غیرمادی مناطق و نواحی روستایی باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** حسابرسی عملکرد، برنامه‌های توسعه‌ای، توسعه روستایی، خدمات روستایی، جامعه دانایی محور.

شکل‌گیری و تغییر و تحولات منابع جدید دارایی و تأثیرات آنها بر روند توسعه و تحول سکونتگاه‌های روستایی را رد نماییم و هم مقدماتی را فراهم نماییم که زمینه را برای ورود سازمان‌های حسابرسی از قبیل دیوان محاسبات و یانهادی با عملکرد مشابه به عرصه نظارت بر اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای آماده نماید. از این‌رو، در پژوهش حاضر در صدد خواهیم بود تا ضمن پرداختن به تحولات فرایندهای توسعه روستایی در فرایند شکل‌گیری جوامع دانایی محور، به ضرورت و اهمیت ورود دانش حسابرسی و بالطبع آن سازمان‌های کلان حسابرسی از قبیل دیوان محاسبات کشور به حوزه طرح‌ها و برنامه‌های توسعه<sup>۱</sup> و نظارت بر حسن انجام آنها پردازیم.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع مطالعات توسعه‌ای-کاربردی می‌باشد که با روش تحقیق کیفی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای- استنادی به انجام رسیده است. این مطالعات اصولاً در برگیرنده هرگونه فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از تحقیقات یا تجربیات می‌باشد که به منظور تولید مواد، فرآورده‌ها، وسائل، ابزار، فرایندها و روش‌های جدید و یا بهبود آنها صورت گیرد. در این پژوهش‌ها محقق با درک یک مشکل، در پی چگونگی رفع آن با استفاده از دانش و تجربیات موجود است(holsti, 1999).

### مبانی و ادبیات نظری پژوهش

مبانی و چارچوب نظری پژوهش حاضر در دو بخش مستقل قابل بررسی است. بخش اول مربوط به موضوع حسابرسی بطور عام و حسابرسی عملکرد به طور خاص می‌باشد و بخش دوم نیز، در برگیرنده جامعه دانایی محور و اصول و ویژگی‌های آن می‌باشد که در ادامه هریک از بخش‌های تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت؛

### مقدمه و بیان مسئله

امروزه اقتصاد جهانی تحت تأثیر یک انتقال ساختاریافته در زمینه حقوق و توسعه سرمایه قرار گرفته، که با تغییرات در نظام ارتباطی و اطلاعاتی سیستم‌ها و جوامع همراه گردیده است. بر همین اساس، سکونتگاه‌های روستایی به عنوان نمونه بارز و عینی از سیستم‌های اجتماعی- اقتصادی، خواسته یا ناخواسته در معرض چالش‌ها و الگوهای جدید قرار خواهد گرفت. نتیجه مهم در این مورد این است که سکونتگاه‌های روستایی و کلیه بنگاه‌ها و نظام‌های اقتصادی متعلق به روستا، به عنوان بازیگران و نقش آفرینان حیاتی در اقتصاد ملی، بشدت از روندهای نوین ناشی از ورود فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و شکل‌گیری جامعه دانایی محور متاثر خواهد گشت. از این‌رو، داشتن نگرشی نوبه روستاهای و طرح و برنامه‌های روستایی و ارزیابی‌ها و حسابرسی‌های دقیق آنها از ضروریات غیر قابل اجتناب توسعه روستایی در دهه‌های آتی خواهد بود.

در جوامع دانایی محور دهه‌های آتی، جایگاه روستاهادر نظام سکونتگاهی دگرگون خواهد شد و اساس فعالیت‌های اقتصادی بر آنچه که امروزه تحت عنوان نامشهودات در جوامع دانایی نامیده می‌شود، استوار خواهد گشت. این نامشهودات از یکسو به منابع غیرآشکار سرمایه و دارایی در نظام‌های اجتماعی- اقتصادی دارد و از سوی دیگر در برگیرنده فرایندهای فضایی و نامرئی است که فرایند توسعه و تحول نظام‌ها و سیستم‌های اجتماعی- اقتصادی را بشدت متاثر خواهد ساخت. امروزه در کشور ما از یک طرف شاهد عدم بهره‌گیری از دانش حسابرسی در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه به طور عام و توسعه روستایی به طور خاص و از طرف دیگر ناتوانی الگوها و روش‌های کنونی حسابرسی در راستای مدیریت بر منابع نامشهود و غیرفیزیکی می‌باشیم. بنابراین ضرورت دارد نقش و جایگاه برنامه‌های حسابرسی در برنامه‌ها و طرح‌های روستایی با توجه و تأکید بر ویژگی‌های جامعه دانایی محور مورد بررسی دقیق علمی قرار گیرد، تا این رهگذر هم بتوانیم فرایند

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۳۴

۱. منظور از طرح‌ها و برنامه‌های توسعه در این پژوهش، صرفاً برنامه‌های پنج ساله توسعه نیست و تمامی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه از مقیاس کلان تا خرد مورد نظر است.

## حسابرسی و حسابرسی عملکرد

حسابرسی، از جنبه‌ها و ابعاد مختلفی قابل بررسی است و از همین جهت ما شاهد انواع مختلف حسابرسی هستیم. لیکن آنچه در این پژوهش مدنظر ماست، هدف و موضوع حسابرسی است، که بر این اساس انواع مختلفی از حسابرسی شامل؛ حسابرسی صورتهای مالی، حسابرسی رعایت و حسابرسی عملکرد قابل تشخیص و تمایز است. از آنجاکه حسابرسی مالی به ارائه منصفانه صورتهای مالی و رعایت استانداردهای مالی پردازد، نمی‌تواند به خوبی از حقوق موضوعه دفاع نماید. حسابرسی رعایت نیز، صرفاً میزان انطباق صورتهای مالی با قوانین وضع شده، ضوابط، دستورالعمل‌ها و بخشنامه می‌پردازد و از این جهت نمی‌تواند نقش مطلوبی در اصلاح روند در راستای فعالیت‌های آتی داشته باشد. بنابراین، تنها حسابرسی عملکرد است که هم به سبب نگرش و هم به سبب بازخورد آتی خود که در واقع ارائه پیشنهادات سازنده است، می‌تواند مطلوب جلوه نماید (رحمانی فضلی، نقل از فاوجچی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

حسابرسی عملکرد، ابزاری در اختیار مدیریت برای شناخت مشکلات و رفع تنگناهای است و دیدی عیجمویانه و انتقادی ندارد و هدف آن انتقاد از عملیات جاری نیست، بلکه بررسی عملیات از راه همکاری با مدیریت و کارکنان و تدوین برنامه برای پیشرفت عملیات است. بنابراین حسابرسی عملکرد باید به عنوان برنامه بازنگری برای اقتصادی و کارکردن عملیات در نظر گرفته شود تا نتایج فزاینده‌ای در پی داشته باشد (Reid, 2005).

حسابرسی عملکرد به طور کلی برای بررسی عملکرد واحد مورد حسابرسی از سه رویکرد استفاده می‌کند؛ حسابرسی ممکن است براساس رویکرد مبتنی بر نتایج باشد که در آن اهدافی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که از قبل تعریف شده و به مرحله اجرا درآمده است. رویکرد دیگر، رویکرد مبتنی بر مسئله می‌باشد که در آن علل مسئله یا مسایل خاص مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و رویکرد سوم، رویکرد مبتنی بر سیستم می‌باشد که به بررسی این موضوع می‌پردازد که سیستم‌های مدیریت وظایف خود را به نحو مطلوب انجام داده‌اند یا

خیر؟ حسابرسی می‌تواند براساس ترکیبی از این سه رویکرد نیز انجام شود (اسکندری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴).

حسابرسی عملکرد با استفاده از هرکدام از رویکردها یا جنبه‌های پیش‌گفته و بدون در نظر گرفتن رسیدگی به رعایت قوانین و مقررات تصویب مراجع قانونی و قانونگذاران به ارتقای کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی واحد مورد حسابرسی در رابطه با وظایف و فعالیتهای آن کمک بنیادی می‌کند. این نوع حسابرسی، در صورت لزوم، اثرات چارچوب‌های بنیادی و مقرر را نیز روی عملکرد واحد مورد رسیدگی مورد بررسی قرار می‌دهد. حسابرسی عملکرد، اغلب تلاش‌های لازم را برای پاسخگویی به این دو سؤال انجام می‌دهد؛ اول اینکه، آیا کارهای درستی انجام شده است و دوم، آیا کارهایی که انجام شده به روشنی درستی صورت گرفته است یا خیر؟ (منبع پیشین، ص ۱۰۵).

از نظر اهداف و دامنه، در حسابرسی‌های مالی رویدادها و صورتهای مالی یک دوره مالی به منظور اظهارنظر در خصوص وضعیت مالی و رعایت قوانین و مقررات مورد بررسی قرار می‌گیرد، در حالیکه در حسابرسی عملکرد موضوع و دوره رسیدگی انتخابی بوده و به منظور اظهارنظر در خصوص عملکرد از نظر صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی، عملکرد بخشهای مختلف در دوره معین مورد بررسی قرار می‌گیرد (دیوان محاسبات کشور، ۱۳۹۰، ص ۸). لذا جامعیت اطلاعات مورد بررسی در حسابرسی عملکرد موجب انسجام و صحت بیشتر نتایج می‌گردد. از نظر روشهای مورد استفاده، در حسابرسی‌های مالی معمولاً داده‌های مالی با رویکرد تأکید بر شناسایی انحرافات از استانداردهای حسابداری، در صورتهای مالی مطابقت داده می‌شود در حالی که در حسابرسی عملکرد فعالیتها تجزیه و تحلیل شده و با معیارهای معین مقایسه می‌شود تامیازان انطباق عملکرد با اهداف مشخص شود. از نظر گزارشگری در حسابرسی‌های مالی برای اظهارنظر از چارچوب استاندارد استفاده می‌شود اما در حسابرسی عملکرد جمع بندی اظهارنظر در چارچوبی کاملاً متفاوت و با توجه به شرایط و مقتضیات هر کار انجام می‌گیرد و شامل توصیه‌هایی برای اصلاح نواقص و بهبود سیستمهای

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۴۶

### جامعه دانایی محور

اصطلاح جامعه دانایی، بازگوکننده توسعه تکنولوژیهای نوین اطلاعاتی و تجدیدسازمان جامعه، پیرامون جریان اطلاعات است. امروزه اطلاعات در تمام صور خود به کمک شبکه‌های انفورماتیک با سرعتی بیش از پیش در دسترس است. این روند با توجه به کاربرد روز افزون شبکه‌های اطلاعاتی در حال سرعت گرفتن بوده و اطلاعات به عنوان یک کالای بیش از پیش قیمتی، در عرصه تمدن‌کنونی جهان ظاهر می‌شود. استقرار این جامعه سبب ایجاد صنایع، مشاغل و محصولات تازه می‌گردد. واقعیتی که زمینه‌های اقتصادی جامعه را با مظاهر جدیدی مواجه می‌کند (محسنی، ۱۳۸۰، ص. ۹).

جامعه دانایی جامعه‌ای است که در آن کاربردهای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در زمینه بدبختی قرار گرفته است و در عوض عوامل تحدیدکننده و تحریک کننده این فناوری‌ها مورد توجه است. در این جوامع ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، به عنوان سکوها و اهرم‌هایی برای تغییرات اجتماعی مدنظر می‌باشند

عملکرد می‌باشد (دیوان محاسبات کشور، ۱۳۹۰، ص. ۸). واژه حسابرسی عملیاتی نیز، در جایی کاربرد دارد که انجام حسابرسی اختیاری بوده و انجام عملیات حسابرسی و نتیجه کار حسابرسی به ارائه نظر مشورتی به مدیریت و توسعه برای بهبود عملیات منتهی شود، این نوع حسابرسی در بخش خصوصی رایج و متداول است اما در حسابرسی الزامی بخش دولتی که توسط دیوان محاسبات کشور انجام می‌شود و روح نظراتی که در فعالیت‌های دیوان محاسبات کشور نهفته است (اگرچه در این نوع حسابرسی توصیه به مدیریت دستگاه‌های برای بهبود عملیات وجود دارد) اما هدف اصلی از حسابرسی مشاوره به مدیریت نیست بلکه ارزیابی مستقل دستگاه‌ها و اطمینان دهنده به ذینفعان در درجه اول قرار دارد به همین دلیل به کارگیری واژه حسابرسی عملکرد برای انعکاس نقش اصلی دیوان محاسبات کشور در انجام وظایف قانونی و اعمال نقش حاکمیتی در رسیدگی هایش نسبت به واژه حسابرسی عملیاتی ارجح است (منبع پیشین، ص. ۹).

(تومی، ۲۰۰۴، ص. ۱۱).

جامعه دانایی به اطلاعات، فناوری یا دانش خلاصه نمی‌شود. بلکه خود فناوری در شبکه‌ای از کنش‌های اجتماعی معنادار معنا می‌باید و تغییرات فنی بدون ملاحظه تغییرات اجتماعی قابل درک و فهم نیست. از این‌رو، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و اقتصاد جدید منعکس‌کننده سطح دیگری از تعاملات اجتماعی است (همان، ص. ۱۰).

در جامعه دانایی، علاوه بر اینکه داده‌ها و اطلاعات در بانک‌های اطلاعاتی وجود دارند، در میان مردم هم جریان می‌یابند و بر زندگی روزمره آنها اثر می‌گذارند. در جامعه اطلاعاتی، الگوهای تولید و توزیع اطلاعات بی شبه است با الگوهای تولید و توزیع قدرت و ثروت در جامعه صنعتی نیستند، اما در جامعه دانایی، بسیاری از مسائل فنی و تکنولوژیک بدینهی فرض می‌شوند و به جای آن موضوعاتی از قبیل پردازشگرهای انسانی، شبکه‌های پردازش اجتماعی اطلاعات و الگوهای اجتماعی توزیع و مصرف اطلاعات در کانون توجه قرار می‌گیرند.

وابستگی متقابل میان سازماندهی فضایی در مناطق و توانایی تولید دانش یکی از موضوعات اساسی جامعه دانایی است. صاحب‌نظران، در تبیین ویژگی‌های جامعه دانایی، پنج ترجمان عمده، که هر کدام معیاری برای تشخیص جامعه اطلاعاتی است را مطرح کرده‌اند؛ مقبولترین تعریف از جامعه دانایی بر نوآوری فوق العاده تکنولوژی بنا شده است، مفهوم کلیدی این است که پیشرفت‌های خیره‌کننده در پردازش، نگهداری و انتقال اطلاعات، در واقع به کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعاتی در تمام زوایای حیات اجتماعی انجامیده است. نخستین خصیصه در این تعریف، تشکیل رسانه‌های است که نظامی فراگیر، جامع و گسترده را به همراه آورده و کاملاً مسلط بر حیات انسان است. ویژگی دیگر این نظام دو سویه بودن آن است که مخاطب را از وضعیت منفعل خارج می‌کند و به طور مؤثر در فرایند ارتباط شرکت می‌دهد.

رویکرد اقتصادی به نقش روزافزون اطلاعات در فرایند تولید، توزیع و مصرف، بویژه در زمینه نوآوری و رقابت بعد دیگری از جامعه اطلاعاتی را بازگویی نماید، که در آن نوع

بعد مکانی نیز، یکی دیگر از ابعاد جامعه اطلاعاتی است. در این تعریف، تاکید عمدۀ بروی شبکه‌های اطلاعاتی است که مکانهای جغرافیایی را به یکدیگر پیوند می‌دهند و در نتیجه اثرات قابل توجهی بر سازمان فضایی بجای می‌گذارند. در جامعه اطلاعاتی، شبکه‌های اطلاعاتی نقاط دوردست را با یکدیگر مرتبط می‌سازند. این شبکه‌ها گروه‌های مختلف سراسر جهان را در کمترین زمان ممکن و به بهترین شکل به یکدیگر پیوند می‌دهند و افراد می‌توانند دانش و تخصص خود را با یکدیگر مبادله کنند، به مشاوره پیردازند و خلاقیت‌های خود را شکوفا سازند. اهمیت راهبردی اطلاعات، تأمین زیرساخت‌های اطلاعاتی، رشد اطلاعات قابل مبادله و یکی شدن سراسری اقتصاد، همگی بر مرکزیت شبکه‌های اطلاعاتی وارتباطی و اتصال شهرها، مناطق، ملت‌ها، قاره‌ها در سراسر جهان تأکید دارد و این تأکید بیشتر برگردش اطلاعات در مسیر بزرگ‌راه‌های اطلاعاتی و الکترونیکی است.

آخرین وجه جامعه اطلاعاتی و دانایی امروزی، وجه فرهنگی است. فرهنگ کنونی به طور آشکار نسبت به تمامی دوره‌های قبل، بطور بیشتر و فزاینده تری از اطلاعات استفاده می‌نماید. ما در محیطی لبریز از نشانه‌ها زندگی می‌کنیم، به این معناکه زندگی امروزی، اصولاً مشتمل بر نمادسازی امور، مبادله و دریافت پیامهایی درباره خودمان و دیگران است. تاملی اندک نسبت به تنوع سبک‌های زندگی و پیچیدگی‌های آن، ما را مجاب می‌سازد که که امروزه تعاملات فرهنگی و اجتماعی نسبت به گذشته از محتوای اطلاعاتی غنی تری برخوردار شده است. از لحاظ فرهنگی، دانش مبتنی بر سرمایه به تدریج جای خود را به سرمایه مبتنی بر دانش داده است و آگاهی نوعی سرمایه فرهنگی تلقی می‌شود و بدین ترتیب، اهمیتی که دنیا گذشته برای سرمایه مالی قائل بود تقلیل یافته و سرمایه‌های مبتنی بر آگاهی و دانش و فرهنگ از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است.

دانیل بل جامعه دانایی و اطلاعاتی را به عنوان فراصنعت گرایی معرفی می‌کند و معتقد است، اهمیت اطلاعات و آگاهی برای جامعه فراصنعتی، هم از نظر کمی و هم

جدیدی از تقسیم کار را مطرح می‌گردد و در نتیجه مشاغلی از میان می‌رود و مشاغل جدیدی پدید می‌آید. البته ساختار اقتصادی، ناگزیر، خود را با حوزه‌های تازه هماهنگ می‌کند. در این جوامع، اطلاعات منبعی اقتصادی تلقی می‌گردد. سازمان‌ها برای افزایش کارآیی خود بر استفاده بیشتر از اطلاعات تأکید می‌ورزند تا نوآوری‌ها نتقویت گردد، موقعیت اقتصادی و رقابت‌طلبانه آنها بهبود یابد و سبب ارتقای کیفیت ابزارها و خدمات شود. به همین منظور پنج گروه اصلی اقتصادی در جامعه اطلاعاتی عبارتست از:

- ۵ آموزش و پرورش؛
- ۵ رسانه‌های ارتباطی؛
- ۵ ماشینهای اطلاعاتی؛
- ۵ خدمات اطلاعاتی؛ و
- ۵ فعالیتهای اطلاعاتی.

اقتصاد اطلاعات نشان می‌دهد که تولید اطلاعات و فن‌آوری‌های اطلاعاتی سهم مهمی از تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص می‌دهد. به این اعتبار، اگر سهمی از تولید ناخالص ملی یک جامعه که صرف فعالیت‌های اطلاعاتی می‌شود، نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد آن جامعه را می‌توان «جامعه اطلاعاتی» نامید. این نظام اقتصادی جدید سه ویژگی متمایز دارد؛ ۱. جهانی است، ۲. معطوف به اشیاء و امور غیرملموسی چون ایده‌ها، اطلاعات و ارتباطات است. ۳. اجزاء آن به شدت با هم در ارتباط است. این سه ویژگی، نوع جدیدی از بازار و جامعه را ایجاد و تأسیس کرده‌اند، که از یک شبکه‌ی الکترونیکی [جهانی] موجود در همه جانشأت می‌گیرد (کلی، ۱۳۸۳، ص ۲).

یکی دیگر از خصیصه‌های مهم جوامع دانایی، تغییر حرفة‌ها و مشاغل است. هنگامیکه مشاغل اطلاعاتی به وجه غالب در میان مشاغل موجود تبدیل می‌شوند، مابه یک جامعه دانایی دست می‌یابیم. به بیان دیگر، در جامعه اطلاعاتی از کارهایی که قدرت جسمی و مهارت‌های یدی را می‌طلبد، کاسته و به کارهایی با مهارت بالا مانند تعلیم و تربیت، تولید و پردازش اطلاعات و کلیه کارهایی که اطلاعات را جهت انجام بهتر فعالیت‌ها درخواست می‌کنند، تبدیل می‌شود.

## دریشهای

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۳۷

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۳۸

دانش‌های کاربردی، انباست نوآوری‌های فنی و تبدیل آنها به کالا و خدمات در چارچوب اقتصاد دانش محور و تحت مدیریت‌کنونی بازار، به تنها یعنی نمی‌تواند ضامن کیفیت و امنیت بالای زندگی همه مردم باشد.

- آمده‌کردن فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در بستر توسعه دانش، امکان افزودن پسوند «انبوه» را به تولید، توزیع و کاربست دانش فراهم می‌آورد.

### جامعه شبکه‌ای

بحث در خصوص جامعه دانایی محور و جامعه اطلاعاتی، ضرورت پرداختن به مفهوم مهم دیگری را تحت عنوان جامعه شبکه‌ای مطرح می‌کند. جامعه شبکه‌ای ارتباط و اشتراک بسیار زیادی با جامعه دانایی محور دارد، اما در عین حال مفهومی مجزا و مستقل است. به اعتقاد مانوئل کاستلز، جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است. این سه فرایند عبارتند از: انقلاب تکنولوژی اطلاعات؛ بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری و تجدید ساختار متعاقب آنها؛ و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی فرهنگی، همچون آزادی خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط‌زیست. تعامل میان این فرایندها و اکنش‌هایی که به آن دامن زدند، یک ساختار نوین اجتماعی مسلط، یعنی جامعه‌ی شبکه‌ای؛ یک اقتصاد نوین، یعنی اقتصاد اطلاعاتی؛ و یک فرهنگ نوین، یعنی فرهنگ مجاز واقعی را به عرصه وجود آورد. منطق نهفته در این اقتصاد، این جامعه و این فرهنگ، زیربنای کنش و نهادهای اجتماعی در سرتاسر جهانی به هم پیوسته است» (کاستلز (پ)، ۱۳۸۵، ص ۴۱۷).

شبکه‌ها چهره اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند، و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشم‌گیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. در حالی که شکل شبکه‌ای سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌های نیز وجود داشته است، پارادایم نوین تکنولوژی اطلاعات بنیان مادی گسترش فراگیر آن را در سرتاسر ساختار اجتماعی ایجاد می‌کند. این منطق شبکه‌ای

کیفی، تعیین کننده است. از یک سو ابعاد فراصنعت گرایی به کاربرد فزاينده اطلاعات می‌انجامد و از سوی دیگر بل، ادعا می‌کندکه: در جامعه فرا صنعتی، تغییری کیفی آشکار است. به عبارت دیگر، در جامعه فراصنعتی، تنها فزوئی اطلاعات مطرح نیست، بلکه نوع متفاوتی از اطلاعات جریان دارد (Bell, 1979: 211).

مانوئل کاستلز از نظریه پردازان سرشناس در باب جامعه اطلاعاتی، در کتاب معروف خود با عنوان «شهر اطلاعاتی» می‌گوید توسعه شبکه‌های تکنولوژی اطلاعاتی در سراسرجهان، اهمیت جریانهای اطلاعاتی را برای سازماندهی اجتماعی و اقتصادی افزایش و در عین حال اهمیت نقاط خاص جغرافیایی را کاهش می‌دهد. در نتیجه در اقتصاد اطلاعاتی نگرانی عمدۀ سازمانها مدیریت و چگونگی پاسخگویی به جریانهای اطلاعات است (Casttels, 1997). ضمن اینکه ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی باعث تمرکزدایی از بسیاری از جنبه‌های سازماندهی اجتماعی و اقتصادی همراه با تمرکز در تصمیم‌گیری می‌شود.

جامعه دانایی در بهترین شکل ممکن، تمامی اعضای یک اجتماع را درگیر تولید و به کارگیری دانش و اطلاعات می‌کند؛ راههایی برای هدایت حکومت و سازماندهی جامعه برای این تغییر وجوددارد. چنین دستورکاری به رغم پیچیدگی بسیار، بر چهار پیش‌فرض ساده بنا شده است (سازمان ملل، ۲۰۰۵: ۲۴؛ ۲۰۰۵: ۲۰)؛

- در جریان رشد و توسعه دانش، دو جزء اصلی جامعه دانایی، می‌توانند بی نهایت رشد داشته باشند: اول، مردم (همه مردم) و دوم، اطلاعات (یادانش آشکار).
- مهارت تولید انبوه دانش در جهانی تحقق یافته است که الگوی سازمانی غالب آن، مردم سالاری‌های مبتنی بر بازار است. نهادهای اجتماعی موجود در نظام‌های مردم سالارکنونی و بازارهای موجود باید در جریان توسعه دانش مردم و اطلاعات، امکان رشد و کاربرد نامحدود را فراهم کنند.
- جامعه دانایی به معنای تجهیز به ملزمات فنی و توسعه آنها نیست. حس جدیدی از جهت‌گیری در مسیر توسعه و تعهد به این جهت‌گیری، باید سطوح بالایی از کیفیت و امنیت زندگی انسانی را تضمین کند. تولید انبوه

# دری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۳۹

- فرهنگ واقعیت مجازی: فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها شکل می‌گیرد. این فضای مجازی، فضای اصلی تعامل‌های معرفتی را کم و بیش در اختیار می‌گیرد.
- سیاست بر بال رسانه: در فضای مسلط فرهنگ متکی به واقعیت مجازی، بازیگران سیاسی ناگزیرند از رسانه‌های حامل نهادها به صورت تمام عیار بهره‌برداری کنند. پیامی که در عرصه سیاست انتقال پیدا می‌کند، صورتی ساده به خود می‌گیرد.
- زمان بی زمان و فضای جریان‌ها: مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن تفاوت دارد. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها، فواصل زمانی را از میان برداشته است و نظم طبیعی دوران قدیم یا جهان صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است.
- اقتصاد اطلاعاتی: که در آن بهره‌وری و رقابت بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانش، متکی شده است. این نوع اقتصاد فرا-صنعتی در مقیاس با اقتصاد صنعتی، از قابلیت طرد و دفع و حاشیه‌رانی به مراتب بیشتری برخوردار است.
- اقتصاد جهانی: که نمی‌باید آن را با اقتصاد جهان یکسان پنداشت. پدیدار دوم، امری نوظهور به شمار نمی‌آید. در حالی که اقتصاد جهانی در بر گیرنده فعالیت‌های استراتژیک مسلطی است که قادرند در مقام یک واحد به هم وابسته، انواع کار و تکاپوی اقتصادی را در تراز جهانی و مقیاس سیارهای در زمان واقعی به مورد اجرا درآورند. این اقتصاد جهانی است، که آثار آن در سرتاسر کره ارض پدیدار است، اما بخش چشمگیری از جمعیت ساکن در زمین از دایرہ این اقتصاد بیرون می‌مانند.
- فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای: نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که به تدریج و بر دیگر سازمان‌ها و تشکیلات سلطه پیدا می‌کند.
- تحول در نحوه انجام کار و در ساختار اشتغال: روابط کاری گذشته جای خود را به روابط به مراتب قابل انعطاف‌تر داده است. شرکت‌های بزرگ به مقاطعه دادن پروژه‌ها و طرح‌ها به شرکت‌های کوچک تر گرایش پیدا کرده‌اند.
- ظهور قطب‌های متقابل: فرایند جهانی شدن موجب قوت بخشیدن به تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی و یادولت رفاه می‌شود.

سرمایه‌های نامشهود تحت عنوان سرمایه‌های معنوی طبقه بندی شده‌اند. از این رو در این پژوهش نیز، ما معتقدیم که منابع مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های توسعه ای رواستایی که کلیه خدمات رواستایی و کشاورزی در درون آن جای می‌گیرد، به دو شکل کلی نمایان می‌شوند و در اجرای تمامی طرح و پروژه‌های رواستایی باید این منابع بخوبی مورد توجه قرار گیرند. در شکل ذیل این منابع اصلی سرمایه‌ای ارائه شده است.

هر سازمان (در اینجا مقصود، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه رواستایی یا سازمان‌هایی است که هدف آنها برنامه ریزی در راستای توسعه رواستاهاست)، نظامی است که از منابعی ساخته شده که در مسیر تعیین شده، تخصیص می‌یابند. یک سازمان می‌تواند ارزش را از این منابع از طریق نظام‌گسترش درونی آن که اجزای گوناگون سرمایه معنوی و سرمایه فیزیکی را مرتبط می‌سازد استخراج کند. به بیان دیگر ضروری است که نگاهی از زاویه منابع و نظام به یک سازمان داشته باشیم تا متوجه شویم که ارزش طی تبدیلاتی که سازمان برای تولید یک منبع از سایر منابع استفاده می‌کند. ایجاد می‌شود.

در دنیای پیش رو، با استقرار جوامعه دانایی، بسیاری از معادلات کنونی موثر بر نظام برنامه‌ریزی مناطق و نواحی رواستایی دچار تحول و دگرگونی اساسی خواهد گردید. چرا که امروزه برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با رواستا و توسعه رواستایی، در مطلوبترین شرایط، طی یک ساختار از پایین به بالا و برآسas توان‌ها و مسائل سکونتگاه‌های رواستایی تدوین می‌گردد. بنابراین آنچه در فرایند شکل

تعلق به گروههای خاص فرهنگی و اجتماعی را بیشتر می‌کند. اما مسئله‌ای که پیش روی ماست تحول رابطه‌ی میان مکان با هویت و معرفت انسانی و اجتماعی است، رابطه‌ی سنتی میان فرهنگ با قلمروهای جغرافیایی در حال تبدیل به رابطه‌ای جدید است. در موقعیت جدید انسانها و جوامع از دایره‌ی تنگ و محدود کننده‌ی زمان فراتر رفته‌اند و در گسترده‌های پهناور از فضای زمان با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند. آنچه روشن است، جایگزینی رابطه‌ای پیچیده و دوسویه میان انسان امروز و محیط فرهنگی و اجتماعی او به جای رابطه‌ی مستقیم و ساده‌ی گذشته است، ولی آنچه هنوز به خوبی برای همگان روشن نیست عمق و انتهای تحولی است که عصر ارتباطات را به وجود آورده است.

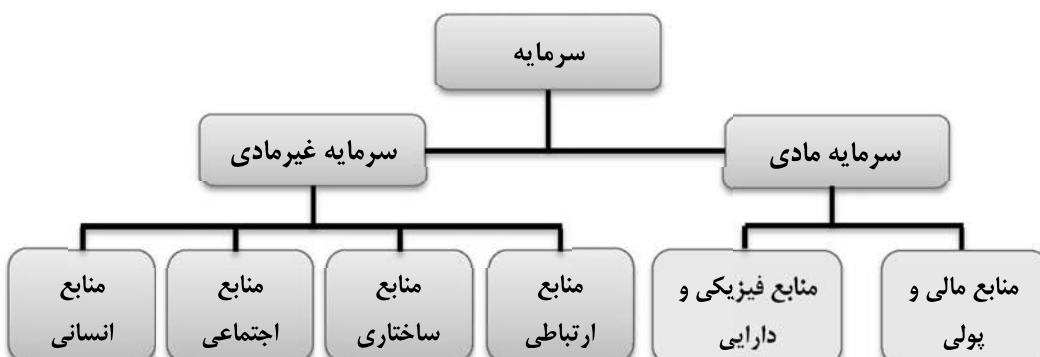
### بحث و بررسی

با توجه به اهداف پژوهش، در این مبحث تلاش خواهیم نمود، ضمن ترسیم فضای مدیریتی در جوامع دانایی، به تبیین جایگاه سازمان‌های کلان مدیریتی و نظارتی در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه رواستایی پردازیم. مدیریت در جوامع دانایی تا حد زیادی درباره مدیریت منابع نامشهود، به اضافه مدیریت منابع آشکار است. بنابراین، نیاز به شناسایی یک متدولوژی مناسب برای شناسایی و اداره این منابع نامشهود در هر نظمی یک امر ضروری است. در دهه گذشته شاهد شناسایی روزافزونی از اهمیت منابع نامشهود در اجرای برنامه‌های توسعه ای بوده ایم. در طول دهه گذشته و یا حوالی آن، این

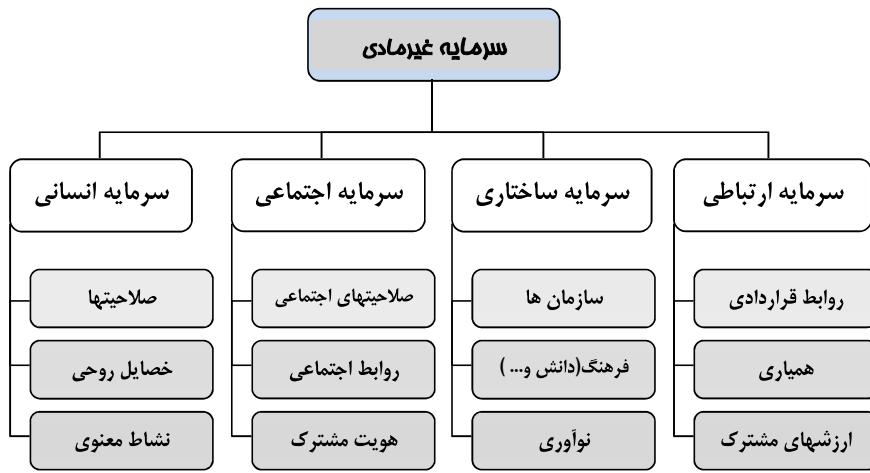
## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۴۰



نمودار ۱. منابع سرمایه در جامعه دانایی؛ مأخذ: برداشت و ترسیم نویسنده‌گان بر اساس نوشه‌های Roos, G. 2001



نمودار ۲. نظام ارزش سرمایه غیرمادی؛ مأخذ: برداشت و ترسیم نویسنده‌گان بر اساس نوشه‌های Summit 1998-2003

ظرفیت آنها برای ایجاد انگیزه درونی و همچنین به ارزش‌های انسانی مرتبط می‌شود. به منظور توسعه این خصایل، باید مردم را نسبت به خویشتن توانمند سازیم. اما نتایج در دراز مدت حاصل می‌شوند.

- **نشاط معنوی:** توانایی مردم برای انتقال دانش از یک زمینه به زمینه‌ای دیگر است تا دانش جدیدی را بوسیله به هم پیوستن اطلاعات از هم گسیخته ایجاد کنند و نوآوری را توسعه دهند و سازگاری ایجاد کنند. به بیان دیگر نشاط معنوی توانایی افراد درون سیستم برای استفاده کردن از صلاحیت‌ها است.
- **سرمایه اجتماعی:** این بخش از سرمایه، از مجموع روابط بین اعضای یک جامعه یا سیستم حاصل می‌گردد. و برپایه سه عنصر زیر استوار است:

- **صلاحیت‌های اجتماعی:** شامل توانایی‌های افراد که مدیریت سیستم می‌تواند بر اساس آنها برنامه ریزی نماید و انجام بخش‌هایی از هر برنامه را بوسیله آنها تضمین نماید. یکی از این صلاحیت‌ها، صلاحیت رهبری در میان اعضای جامعه است، که هرچه این توانایی بیشتر باشد، امکان رهبری نامت مرکزتر در جامعه و به تبع آن میزان موفقیت افزایش می‌یابد.

- **روابط میان فردی:** مجموعه عواملی که سبب انگیزش رابطه بین مردم یا منع آن می‌گردد. مسئله کلیدی در این نوع از سرمایه، اعتماد است که اغلب به عنوان مهمترین

گیری و استقرار جوامع مبتنی بر دانایی قابل ملاحظه و بررسی است، تحول اساسی در منابع غیر سرمایه‌ای است، که این مسئله بشدت نظام برنامه ریزی و خدمات رسانی به روستاهرا تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این رو در ادامه به بحث در خصوص نظام سرمایه‌های غیرمادی در جوامع روستایی می‌پردازیم، تا این برآیند بتوانیم بستر و چارچوبی را برای نظام برنامه ریزی متناسب با روستاهای در جوامع دانایی محور آتی زمینه سازی نماییم. مدل ارزش سرمایه غیرمادی<sup>۱</sup> بوسیله Summit توسعه یافت تا چارچوبی سیستماتیک برای درک اهمیت نامشهودات ارائه دهد. این مدل محدوده‌های تشکیل دهنده سرمایه معنوی را متشکل از سرمایه ارتباطی، ساختاری، اجتماعی و معنوی می‌داند.

سرمایه انسانی، بخش متفکر هر سیستم که از مردم یا همان اعضای تشکیل دهنده سیستم تشکیل یافته است و شامل موارد ذیل است؛

- **صلاحیت‌ها:** شامل فنون و مهارت‌هایی که مردم از آنها هنگام کار بهره می‌برند. بهترین راه برای گسترش صلاحیت‌های مردم این است که آنها را کنترل و تنظیم نماییم و اینکه در زمینه آموختن در طول زندگی سرمایه‌گذاری کنیم.

- **خصایل روحی:** به همه‌ی جوانب عاطفی افراد و نیز

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۴۲

تعیین‌کننده اهمیت و صحبت پدیده اجتماعی هستند. از این رو و جود ارزش‌های مشترک میان یک برنامه و جامعه هدف آن تضمین کننده اهمیت و صحبت نتایج برنامه‌ها خواهد بود.

در فضای کنونی برنامه‌ریزی کشور، مهمترین مسئله طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، در حوزه اجرا و حصول عملکرد، ضعف جایگاه حقوقی و قانونی آنهاست. با توجه به اینکه در کشور، تمامی سازمانهای نظارتی و مدیریتی تابع قانون هستند و ملاک عمل آنها مواد و تبصره‌های قانونی است، ضرورت دارد در تدوین برنامه‌های توسعه و بویژه توسعه روستایی که بطور خاص موضوع پژوهش حاضر است، به این مهم توجه کافی مبذول گردد و تا زمانی که برنامه‌های توسعه روستایی نتوانند همانند برنامه‌های پنج ساله توسعه به جایگاه قانونی لازم دست پیدا کنند، نمی‌توان انتظار اجرای مطلوب آنها و برخورداری از قدرت بازدارندگی در مقابل روندهای در تقابل با توسعه روستایی را داشت. از طرفی، ضعف جایگاه حقوقی و قانونی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی، ریشه در عدم برخورداری این برنامه‌ها از متولی و سازمان مدیریتی و نظارتی دارای ابزار، جایگاه و قدرت لازم دارد. به عبارت دیگر، حتی در برخی موارد که یک برنامه توانسته باشد جایگاه حقوقی و قانونی نسبتاً قابل قبولی را بدست آورد، نیز، به علت نبود نهاد یا سازمان مدیریتی و نظارتی مذکور، نتوانسته است به عملکرد قابل قبولی دست یابد. به عنوان مثال، می‌توان به برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور اشاره کرد که علی‌رغم جایگاه قانونی و حقوقی نسبتاً مطلوب، نتوانسته‌اند به عملکرد قابل قبولی بویژه در زمینه توسعه روستایی دست یابند. در تشریح دلایل و علل این عدم توفیق در حصول اهداف، مواردی به شرح ذیل را می‌توان مطرح نمود:

بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی، دولت برای تأمین و تضمین اجرای قوانین حق دارد تصویب‌نامه‌هایی را وضع نماید مشروط بر اینکه با متن و روح قانون مخالف نباشد. در ادامه همین اصل آمده است که، تصویب نامه‌های دولت ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر

جزء سرمایه اجتماعی شناخته شده است.

● **هویت مشترک:** جوامعی که اعضای آن دارای اهداف و ارزش‌های یکسان هستند، هویت گروهی مشترکی می‌سازند.

سرمایه ساختاری: این نوع از سرمایه منتج از مجموع همه فرآیندهاست. خصوصیت مهم سرمایه ساختاری این است که به نظام‌های مدیریتی یا بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی تعلق دارد، در حالی که سرمایه انسانی اینگونه نیست. یکی از اساسی‌ترین مشکلات روستاهای کشور در طول سالیان گذشته، فقدان و یا ضعف سرمایه ساختاری بوده است.

● **سازمان:** نحوه آرایش یا چینش فضایی اجزاء تشکیل دهنده سیستم در کنار یکدیگر می‌باشد که مجموعاً یکی از مهمترین عوامل اثربخش بر عملکرد سیستم هاست.

● **فرهنگ:** فرهنگ نتیجه مجموعه‌هایی از آداب، سمبول‌ها، هنجارها، راهبردها، باورها، عقاید قوی و تعهدات ضمنی است. فرهنگ محصول تعاملات مداوم اعضاً سازمان هاست.

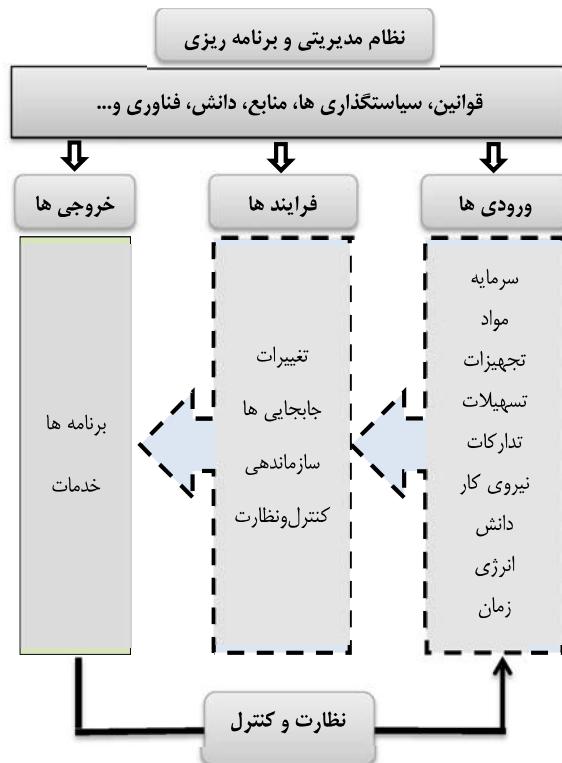
● **نوآوری:** صلاحیت نظام یا سیستم برای تصور خود در آینده، از طریق توسعه و تجدیدهای مداوم است. نوآوری هرچیزی را که بر ارزش آینده سیستم‌ها تأثیر دارد در بر می‌گیرد.

سرمایه ارتقابی: ضرورت و اهمیت روابط با همه مخاطبان، یک برنامه یا فعالیت توسعه‌ای سیستم را به سمت گسترش مداوم حوزه این روابط سوق می‌دهد. روابطی که برپایه تبادلات مداوم خدمات، تولیدات و اطلاعات باشند. سرمایه ارتقاباتی به موارد زیر تقسیم می‌شود:

● **رابطه قراردادی و تقاضا محور:** مردم به عنوان مخاطبان برنامه‌های توسعه که برنامه‌های خدمات رسانی هم در درون آن قرار می‌گیرند، یکی از دو قطب اصلی ارتباطات می‌باشند که اساساً شکل گیری یک برنامه در نتیجه خواست و نیاز آنها بوده است.

● **همیاری و مشارکت:** منظور از مشارکت دخالت دادن افراد در تصمیم‌گیری است. مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است.

● **ارزش مشترک:** ارزش‌های اجتماعی از نظر اخلاقی،



نمودار ۳. جایگاه سازمانهای نظارتی در فرایند برنامه‌های توسعه؛ مأخذ: نگارندگان.

## درست شری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۴۳

خلاف قوانین بباید با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد. بنابراین، از این اصل قانون اساسی اینطور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که امکان مغایرت تصویب نامه‌های وضع شده توسط دولت با مصوبات طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و الزامات آن وجود دارد. این امکان از آن جهت است که مصوبات برنامه‌های توسعه درکشور از جایگاه حقوقی و قانونی لازم برخوردار نمی‌باشند. نمونه باز این مسئله را در انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بوضوح می‌توان مشاهده کرد. به گونه‌ای که با این انحلال تمامی برنامه‌های توسعه ای درکشور، دچار خلاصه اساسی گردید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ورود حسابرسی و سازمان‌های حسابرس به برنامه‌ها، طرح‌ها و مصوبات توسعه‌ای، از یک طرف می‌تواند، ضمن ارزیابی و حسابرسی دقیق عملکرد و حصول اهداف، زمینه هماهنگی بیشتر برنامه‌های توسعه با سطوح بالادرست و پایین دست آن و کاهش تعارضات و ناهماهنگی‌ها را فراهم نماید. از سوی دیگران امر سبب، توسعه نیست، بلکه می‌بین یک برتری نسبی با توجه به وضعیت فعلی نظام برنامه ریزی درکشور است و طبیعتاً چنین نهادی می‌تواند (و باید) دارای جایگاه قانونی و قدرت اجرایی به مراتب بالاتری باشد.

در جمع‌بندی این مبحث، می‌توان گفت، در صورت ورود

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۴۴

- ۲- اسکندری، کیوان (۱۳۹۰)، اصول اساسی در حسابرسی عملکرد، فصلنامه دانش حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰
- ۳- دولفوس، اولیویه (۱۳۶۹)، فضای جغرافیایی، ترجمه: دکتر سیروس سهامی، چاپ اول، تهران: نشر نیکا.
- ۴- دیوان محاسبات کشور (۱۳۹۰)، راهنمای حسابرسی عملکرد، مصوب کمیته اجرائی حسابرسی عملکرد، مردادماه ۱۳۹۰
- ۵- تومی، ایلکا (۲۰۰۴)، جامعه دانایی و پرسش‌های پژوهشی آینده، ترجمه اسماعیل بزدان پور، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های ارتباطات کشور، تهران.
- ۶- کلی، کوین (۱۳۸۳)، قوانین جدید برای اقتصاد جدید، ترجمه دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی، تهران
- ۷- سازمان ملل متحد (۲۰۰۵)، شناخت جوامع دانایی در بیست پرسش و پاسخ به همراه شاخص جوامع دانایی، ترجمه اسماعیل بزدانپور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری دبیرخانه شورای اطلاع رسانی
- ۸- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جامعه‌ای اطلاعاتی، چاپ اول، تهران: نشر دیدار.
- ۹- کاستلز (الف)، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول (ظهور جامعه‌ای شبکه‌ای)، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۰- کاستلز (ب)، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد دوم (قدرت هویت)، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۱- کاستلز (پ)، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد سوم (پایان هزاره)، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات طرح نو.
12. Barrow, C.J(1995), Sustainable development: concept, value and practice, Third World Plan Rev. 1995 Nov;17(4):369-86.
13. Hagget, Peter(1990), the geographer art, Oxford: Basil Blackwell
- نهاد متولی برنامه می‌تواند این نقش را ایفا نماید، مشروط بر اینکه این نهاد یا سازمان دارای ساختاری مستقل از دولت باشد و با تغییر دولتها و روی کار آمدن دولت جدید، ساختار و سازمان نهاد متولی برنامه و حسابرسی آن دچار تحول نگردد. عنوان مثال، دیوان محاسبات کشور را می‌توان دارای چنین ساختاری در حوزه رصد بودجه دانست. بنابراین، سازمان متولی برنامه در کشور ما نیز، نیازمند چنین ساختاری است، تا بتواند هم مسائل مالی برنامه‌های توسعه و هم هماهنگی محتويات برنامه‌ها و رفع تعارضات آنها را عهده دارشود. نتیجه مهم دیگری که از مباحث مطرح شده می‌توان گرفت اینکه، در تمامی برنامه‌های توسعه، منابع و توان‌های فضایی مورد برنامه ریزی از موضوعات اساسی و پایه می‌باشد. اما نکته قابل توجه در این مسئله، تفاوت شهرها و روستاهای در نوع برخورداری از این منابع است. در شهرها منابع مادی نقش پررنگ تری نسبت به منابع غیرمادی دارند و همین مسئله یکی از دلایل غالب بودن توجه به شهرهای دارنگاه برنامه ریزی است. به عبارت دیگر، شهرها دارای منابع سرمایه‌ای مادی بیشتری نسبت به روستاییان هستند. در حالی که در نواحی روستایی، سرمایه‌های غیرمادی بسیار برجسته‌تر از شهرهای است. آنجاکه در جامعه دانایی محور آتی، شاهد تغییر جایگاه منابع سرمایه‌ای در توسعه و تحول جوامع خواهیم بود و منابع غیر سرمایه‌ای بشدت اهمیت خواهند یافت، می‌توان انتظار داشت جوامع روستایی جایگاه مطلوب تری را در ساختار برنامه ای کشور پیدا کنند. البته لازمه چنین امری، توجه به تغییر و تحولات منابع غیر سرمایه‌ای در مناطق روستایی است و خود این مسئله نیز مستلزم بهره گیری از شیوه‌های نوین ارزیابی، مدیریت، کنترل و حسابرسی در سطوح فرادست سکونتگاههای روستایی و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آنها است.

### منابع و مأخذ

- ۱- فاوچی، هادی (۱۳۸۷)، رهندوهای اجرای استانداردهای حسابرسی عملکرد، مرکز آموزش و بهسازی منابع انسانی دیوان محاسبات کشور، تهران.

14. Holsti, O.R(1999) content analysis for the social sciences and humanities, Addison Wesley.
15. Lefebvre, Henri(1991), the production of space, translated by Donald Nicholson, Oxford: Blackwell publication.
16. Parsons, Talcott(1951), the social system, New York, free press, available at: www.Googlebook. com
17. Peet, Richard(2003), modern geographical thought, Blackwell Publishing Ltd
18. Schaefer, K(1953), Exceptionalism in Geography, Annals of the Association of American Geographers
19. Selman, Paul(1996), Local Sustainability: Managing and Planning Ecologically Sound Places, Sage publications, 28 Oct 1996
20. Stanford S. L( ). "Explaining State Adoption of Environmental Audit Legislation" ,The College of William & Mary, available at: www.ssrn. com.
21. Welford, R. (2002) Corporate Environmental Management, Earthscan Publication Ltd.
22. Mika, T. V & Ondrusek, M(2010), Actual Problems of Crisis Management Theory, International Scientific Conference of Management
23. Bell, Daniel(1979), the Social Framework of the Information Society in Dertouzos and Moses.
24. Castells, Manuel(1997), The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring and the Urban-Regional process, Oxford: Blackwell publication.



■ ۲۴۵ ■

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۴۶